

نازنین زهرا پناهی

کلاس: ۵/۲. مدرسه استاد مطهری تهران

سن: ۱۰

یک روز میکروب ها و ویروس ها دور هم جمع شده بودند و شروع کردن به صحبت کردن ، میکروب گفت : «من میکروب هستم و همیشه در بدن انسان هستم .

ویروس گفت : «من ویروس

میروم در بدن انسان و آنها را بیمار میکنم. میکروب و ویروس تصمیم گرفتند ، هر کدام در بدن دونفر برونندوبینندکدام یک قوی تر است .

ویروس در بدن یک نفر رفت ، میکروب هم در بدن دیگری رفت ، بعد از چند روز میکروب انسان را کمی بیمار کرد واما ویروس آن نفر را از پا دراورد. پس با این تفاسیر ویروس از میکروب قوی تر است.

ویروس گفت: « من قوی تر هستم وهمینطور میکروب گفت : « من قوی تر هستم.

اودو باهم به اختلاف نظر افتادند وباهم دعوا کردن ،

دعوا دعوا ، بالاخره ویروس

پیروز شد ومیکروب را کشت ،

سپس ما از این داستان نتیجه می گیریم که ویروس از میکروب قوی تر است. وقتی ویروس در بدن

انسان می رود ، انسان را بیشتر بیمار می کند و صدمه بیشتری به بدن می زند.